

به نام خدا

یورت

نویسنده: سید حسین میرکاظمی

نشر آموت، چاپ اول، ۱۳۹۵

فهرست مطالب

۲	۱ نویسنده
۳	۲ درباره کتاب
۴	۱.۲ بخش‌هایی منتخب از کتاب
۵	۳ مشکلات نوشتاری کتاب
۶	۴ امتیاز رمان
۷	مراجع

۱ نویسنده



در مرجع [۱] که سایتی است مربوط به خود نویسنده، درباره زندگی‌نامه وی و نوشته‌هایش به تفصیل صحبت شده است. در این مرجع آمده است (جمله‌بندی ضعیف و پر از اشتباه از سایتی که به نظر می‌رسد متعلق به خود نویسنده است واقعا جای تعجب دارد!! بنده کمی نگارشش را تصحیح کردم اما جمله‌بندی را دست‌کاری نکرده‌ام):

«متولد ۱۳۲۱ فرزند فاطمه و نظام، اهل گرگان. سرانجام

درس دانشگاهی او در رشته ی تعلیم و تربیت است. وقتی از اندوخته‌های فرهنگی-هنری میرکاظمی سخن به میان می‌آید، بفوریت از او به عنوان نویسنده، شاعر و پژوهشگر معاصر در ایران یاد می‌شود. با این اشاره او موسس کانون نویسندگان و شاعران گرگان در سال ۱۳۵۸ است. نشریه‌های کتاب فصل و جنگ ادبی "فصل گرگان" در دهه شصت به کوشش و پوشش او منتشر گردید. میرکاظمی مولف ۳۰ عنوان کتاب، که کتاب "الامان" او به زبان آلمانی ترجمه و شماری نیز حائز جایزه و برگزیده مجامع و بنیاد های ادبی شده‌اند. رمان "یورت" میرکاظمی در سال ۱۳۷۲ جایزه مجله گردون را به عنوان بهترین رمان سال ایران از آن خود کرد. او بدون شک مشهورترین و فعال‌ترین نویسنده گرگان و استان گلستان در سطح کشور و یکی از شناخته‌های ادبیات داستانی معاصر می‌باشد. با این همه، توانایی و دل مشغولی‌های هنری میرکاظمی به آنچه گفته شد، محدود نمی‌شود.

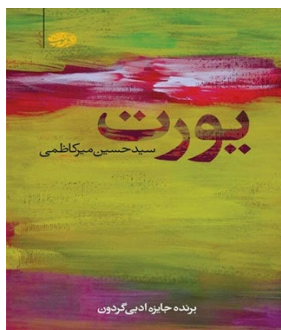
او از سال ۱۳۹۱ تا کنون بیش از ۳۰ تابلو نقاشی خلق کرده و می‌گوید: "نگاه نو در هر مرحله تقویم سنی مجال می دهد شعلهای از درونت گُر بزند و در این حال خلق و آفریده تازه‌ای از خودت می‌شناسایی، شورمندانه رنگ، کلمات و سفیدیه‌ها از تو عید می‌سازد و جامه نو دوزی به تنت می‌پوشاند، و چنین بود در حوزه تجربه و کارکرد شخصی برای من، منی که آفریده‌ام کلمه بود و شور رویاهایم را کلمات تجسم می‌بخشید و می‌بخشد و جهان کلمه، بازآفرینی جهان هستی و الو گیرانده خلاقیت من بوده و هست، این بار نگاه نو دیگری سراغم آمد. رنگ در من گر زد. زبان شورمندانه‌ام، رنگ و نقاشی و حاصلش تابلوهای نقاشی خلاقانه شد. فرح فزایی رنگ و نقاشی چه شکوه آتش مابانه‌ای دارد. حظ دارد و اجاقی درون را داغا داغ می‌سوزاند و شعف می‌بخشد. با این نقاشی ها گُر زدم و با این شدن از نو شناخته می‌شوم."

به استناد سخن میرکاظمی، باور کردنی است در فرایند خلاقیت شگفتی نداشته باشد که داستانی به نقاشی روایت شود و نویسنده‌ای نقاش.

اکنون با تاسیس کتاب‌فروشی و انتشارات آژینه در گرگان، فعالیت‌های بی‌وقفه و مجدانه‌اش در عرصه نویسندگی

نخستین کتاب او در ۱۹ سالگی به نام «دانش و بینش در روستا» برنده جایزه اول آموزش و پرورش ایران شد. از دیگر کتاب‌های او می‌توان به «آلمان» و «گندم شورا» و «زن و این گمان»، «باغ زیتونی چشم»، «سایه‌های بوته تمشک» اشاره کرد. تمام آثار وی در مرجع [۱] آورده شده است.

۲ درباره کتاب



رمان یورت در ۳۴۴ صفحه با ۴۳ فصل توسط نشر آموت منتشر شده است. داستان چاپ‌های متعدد این کتاب در سال‌های مختلف توسط ناشرهای متفاوت به نوبه خود بسیار جالب است. اولین بار در سال ۱۳۷۰ چاپ شده است اما اکنون دوباره به چاپ رسیده است.

کلمه یورت، همانطور که نویسنده در پاورقی صفحه آغازین رمان آورده است، به معنی چادر، در معنای وسیع‌تر سرزمین، یُورد هم تلفظ می‌شود و آلاچیق هم گفته‌اند، است. این رمان در وصف حال مردم ترکمن صحرا است. مردمی ساده و پرتلاش که درگیر مسایل سیاسی زمان خود هستند. مسایلی

مثل زمین‌خواری، نفوذ کشورهای بیگانه، کم لطفی حاکم وقت و ... در تمام رمان به چشم می‌خورد و مدام خواننده را درگیر خود می‌کند. اما موضوع اصلی رمان عشق است. این عشق پرماجرا بین یک پسر ترکمن و یک دختر نیمه ترکمن است. اصولاً ترکمن‌ها به این وصلت‌ها علاقه‌ای ندارند و دختر باید ترکمن باشد. اما آبا، پسر عاشق، آنابخت را بسیار می‌خواهد به طوری که دست به کارهای عجیب می‌زند. این دو در میان تمام مسایل مربوط به ترکمن‌ها عاشق یکدیگر هستند و به دنبال راهی برای با هم بودن می‌گردند.

نویسنده سعی کرده است تا با آشنایی بسیار زیاد خود با فرهنگ ترکمن، خواننده را نیز با این فرهنگ آشنا کند و در این میان روابط بین افراد را به خوبی در کتاب بیان نموده است. خواننده حتی با رابطه بین آبا و اسبش نیز ارتباط برقرار می‌کند. وجود یک عاشق دیگر که درواقع رقیب عشقی آبا است کمی به جذابیت داستان افزوده است اما چندان خواننده را با خود همراه نمی‌کند و حتی دعوای بین این دو نفر و در انتها نزاع آن‌ها نیز چندان قانع کننده نیست. شعرهای ترکی در میانه کتاب بسیار تاثیرگذار و خواندنی است. وصف رقص‌ها و آئین‌های ترکمن‌ها به خوبی در جای جای رمان آورده شده است.

در انتها فکر می‌کنم کتاب خواندنی است اما باید در انتهای آن لغت‌نامه قرار داده شود.

رمان بسیار سخت‌خوان است. از این جهت می‌گویم چون دارای کلمات زیادی است که برای خواننده غیرترکمن بسیار سخت است. خوشبختانه آوانگاری کتاب بسیار خوب بوده است و مشکل تلفظ کلمات وجود ندارد. اما معنی

کلمات گاهی آزار دهنده است. هرچقدر جلوتر برویم در رمان این کلمات بیشتر می‌شوند و به خاطر سپردن آن‌ها واقعا کار مشکلی است. نویسنده در پاورقی بیشتر کلمات را توضیح داده است، اما توصیه می‌کنم و فکر می‌کنم واجب است که یک لغت‌نامه در انتهای کتاب آورده شود. با وجود چنین لغت‌نامه‌ای مطمئنا سخت‌خوانی کتاب بسیار کمتر خواهد شد. یکی از توضیحات خوب در مورد کتاب در مرجع [۲] وجود دارد و به شرح زیر است:

«یکی از رمان‌های خاطره‌انگیز دهه هفتاد کتاب «بورت» نوشته سیدحسین میرکاظمی است که سال ۱۳۷۰ در نشر خردمند منتشر شد و در سال ۱۳۷۲ موفق به دریافت جایزه ادبی گردون شد. این موفقیت علاقه‌مندان به داستان ایرانی را متوجه نویسنده «بورت» کرد. سیدحسین میرکاظمی نویسنده‌ای کم‌کار است که هیچ‌کدام از آثارش موفق نشدند به محبوبیت رمان «بورت» برسند. این رمان که از آن به‌عنوان نخستین رمان واقع‌گرایانه از زندگی مردم ترکمن صحرا یاد می‌کنند، بعدها در سال ۱۳۸۰ در نشر مرکز تجدید چاپ شد و حالا بعد از ۱۵ سال یک بار دیگر آن را نشر آموث منتشر کرده است. «بورت» که معنی محل خیمه و چادر را می‌دهد، روایتی تاریخی از مردم ترکمن است که از عصر محمدعلی‌شاه شروع می‌شود و تا ۱۳۱۰ که دوره پهلوی اول است، ادامه می‌یابد. قهرمان «بورت» نماد نسلی است که در چند دوره با ظلم و استبداد جنگیده است. هم در دوره نزاری-قاجاری جنگیده است و هم با ظلم رضاشاهی و در این مبارزات، عشق و زندگی فراموش نشده است. رنج‌های رفته بر قوم ترکمن در این دو دوره تاریخی حساس ایران بازگو می‌شود. به جرات می‌توان گفت که اثری به قدرت و قوت «بورت» در ادبیات نمی‌توان گفت که به خوبی آن موفق شده باشد زندگی مردم ترکمن صحرا را با رنج و رویا و عشق درهم‌آمیزد.

علاوه بر این میرکاظمی اشراف خوبی بر فرهنگ عامیانه دارد و از این وقوف و چیره‌دستی‌اش به نفع رمان خود استفاده کرده است تا بتواند زندگی شخصیت‌هایش را در بستر تاریخی‌شان باورپذیر کند. رمان «بورت» از ۴۳ فصل تشکیل شده است که کوتاهی فصل‌ها خواندن آن را آسان‌تر می‌کند و به ریتم و ضرباهنگ رمان کمک می‌رساند.»

۱.۲ بخش‌هایی منتخب از کتاب

«او از کشتگان به وجود آمده و با کشتگان پرورش پیدا کرده است. زندگی در هول و هراس، غرقه به خون و کوچ، روی دیگر از حیات عادی صحرا.» صفحه ۴۴

«شکستی، انتقامی را در برمی‌گیرد و پیروزی، تقاص را به دنبال دارد.» صفحه ۱۰۹

«حل دشواری با بیداری است.» صفحه ۲۱۵

«ای یار! ای آن که توی جفت چشمانت دو بره‌ی سیاه بسته‌اند، به تو فکر می‌کنم که مثل آب، آفتاب و آینه هستی!

وقتی یادم می‌آید تنها هستم، تو یار و قوت قلب منی.» صفحه ۳۲۵

۳ مشکلات نوشتاری کتاب

مشکلات کتاب کمی زیاد است. اما سعی می‌کنم به آن‌ها اشاره کنم. باشد که مورد عنایت ویراستاران قرار گیرد. علاوه بر این، با اینکه نویسنده سعی کرده است تمام کلمات را با پاورقی به خواننده بگوید اما برخی کلمات بدون پاورقی هستند.

۱. در صفحه ۷ در خط سوم ویرگول باید به نقطه تبدیل شود، چون مکث کامل است.
۲. در صفحه ۸ در جمله «خورشید شنگرفی است.» شنگرف یعنی چی؟!
۳. مورد همیشگی، نقطه قبل از «و» در صفحات ۹، ۱۰، ۱۴، ۱۷، ۱۸، ۲۱، ۲۵، ... متاسفانه هنوز هضم اینگونه موارد برای من سخت است.
۴. در صفحه ۹ کلمه «مسین» و جمله «کتل جلین و بلین قوزلق» یعنی چه؟!
۵. در صفحه ۱۱ باید از ویرگول استفاده شود «اعتقاد پنگ بود، مرد ترکمن ...».
۶. در صفحات ۱۴، ۱۵، ۲۰ و ۱۱۰ قبل از «و» از ویرگول استفاده شده است!
۷. در صفحات ۱۹، ۲۵، ۷۸، ۱۱۰، ۱۱۷، ۱۲۶، ۱۵۷، ۲۳۷ و ۲۷۲ فاصله بین کلمات و حتی حروف آن‌ها رعایت نشده است.
۸. در صفحه ۲۴ و صفحه ۲۵ کلمات «زنجوره‌ای» و «خیوه» به چه معنا هستند؟!
۹. در صفحه ۲۶ خط اول ادامه صفحه قبل است اما متاسفانه به صورت پاراگراف و با فاصله از ابتدای خط نوشته شده است.
۱۰. در صفحات ۳۴ و ۶۶ کلمه «بسخو» به چه معناست؟!
۱۱. در صفحات ۳۶، ۴۹، ۶۶ و ۱۱۵ «و» در ابتدای پاراگراف به کار برده شده است.
۱۲. در صفحه ۵۹ کلمه «دلمه» به چه معناست؟!
۱۳. در صفحه ۷۱ و ۱۵ کلمه دده در پاورقی آورده شده است. همان اولی کافی است.
۱۴. در صفحه ۷۲ کلمه «خونسردی» به صورت «خون سردی» نوشته شده است.

۱۵. اتفاق جالب اینکه در صفحات ۱۳۱، ۱۴۳ و ۱۵۳ بعد از «با» ویرگول آورده شده است.

۱۶. در صفحه ۸۶ کلمه «مناط» به چه معناست؟!

۱۷. در جمله «پنگ با بالا بردن ابرو و آن چینی که روی پیشانی‌اش افتادف گویی می‌خواست دورنمای زندگی بموت و تاخت و تازش را فراخ‌تر بنگرد و میدان را برای پرواز قوش‌های صحرایی، پهناورتر یورت‌های بموت را محق

می‌دانست.» از «و میدان را» تا انتهای جمله یعنی چی؟!

۱۸. در صفحه ۹۰ «تُمُوق» یعنی چی؟!

۱۹. در صفحه ۱۰۹ کلمه «غارپ» به چه معناست؟!

۲۰. در صفحه ۱۱۷ کلمه «آغشقه» در پاورقی «اروسی» معنی شده، اما اروسی یعنی چی؟!

۲۱. در صفحه ۲۱۲ کلمه «پیشک» در متن و در پاورقی به صورت «پیشک» آورده شده است!

۲۲. در صفحه ۲۲۲ جمله «هنوز حرفی به هم نزده بودیم که یونس، زنش هم حاضر شد» یعنی چی؟!

البته ممکن است برخی کلماتی که بنده معنی آن‌ها را پرسیدم در پاورقی و قبل از صفحه ذکر شده آورده شده باشند. اما مشکل عدم وجود یک لغت‌نامه در متن باعث سردرگمی می‌شود. همچنین، ممکن است نویسنده با خود بگوید که خواننده وقتی با چنین کتابی مواجه می‌شود باید خودش برود دنبال کلمات و معنی آن‌ها را بیابد.

۴ امتیازرمان

از این پس، سعی می‌کنم بخشی با عنوان «امتیازرمان» در یادداشت‌هایم داشته باشم. در این بخش، به رمان از لحاظ محتوا، مترجم و ویراستار امتیاز بین ۱ تا ۱۰ داده می‌شود و میانگین آن‌ها به عنوان امتیاز نهایی رمان در نظر گرفته می‌شود.

جدول امتیازات رمان

ردیف	موضوع	نمره
۱	محتوا	۷
۲	مترجم	-
۳	ویراستار	۵
	امتیاز نهایی	۶

بهر روز آدینه

۱۳۹۶/۱۱/۱۱

مراجع

- [1] www.mirkazemigallery.ir
- [2] www.newspaper.fdn.ir